

ارزشیابی اثربخشی یک دوره آموزش الکترونیکی در موسسه مهندانش

فریبا درتاج* / مریم رجیبیان ده زیره**

چکیده

پژوهش حاضر به منظور ارزشیابی میزان اثربخشی یک دوره آموزش الکترونیکی در موسسه مهندانش شهر کرمان انجام گردید. برای این منظور بصورت سرشماری افراد شرکت کننده در این دوره آموزش الکترونیکی شامل ۷۰ نفر (۴۲ زن و ۲۸ مرد) بودند که به پرسشنامه محقق ساخته در مورد میزان اثربخشی دوره در ابعاد پنجگانه پاسخ دادند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد مؤلفه‌های مورد بررسی ۸۱٪ از پرسشنامه را تبیین می‌کنند که عامل ارزشیابی مهمترین و عملکرد کلی کمترین میزان اثربخشی را تبیین کردند. بر اساس درجه بندی محاسبه شده میزان اثربخشی دوره برگزار شده در مؤلفه ارزشیابی، نظم و هماهنگی خوب، در عامل رفتاری- اخلاقی از نظر مردان خوب و از نظر زنان در سطح متوسط و در عامل انگیزشی از نظر مردان در حد متوسط ولی از نظر زنان در حد خوب بوده است. عملکرد کلی دوره آموزشی نیز از نظر مردان و زنان در حد متوسط بوده است. همچنین نتیجه آزمون تی مستقل نشان داد بین زنان و مردان از نظر میزان اثربخشی در عامل‌های انگیزشی، نظم و هماهنگی و اخلاقی و رفتاری تفاوت معنی داری وجود داشت در حالی که از نظر عوامل ارزشیابی و عملکرد کلی تفاوت معنی داری بین زنان و مردان وجود نداشت. بدون شک، اجرای ارزشیابی در زمینه یادگیری الکترونیکی در مراکز آموزش عالی در کنار سایر بخش‌های آموزش عالی کمک زیادی به پیشرفت و بهبود وضع کیفی آموزش الکترونیک خواهد نمود.

واژگان کلیدی: آموزش الکترونیک، ارزشیابی، اثربخشی، عملکرد.

* دکتری تکنولوژی آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان، گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه

طباطبایی تهران، Faribadortaj2007@yahoo.com

** نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران،

M.rajabiyani1393@gmail.com

مقدمه

گسترش روز افزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، سبب وقوع تغییرات گسترده و عمیق در همه جنبه‌های زندگی بشر شده است، نظام‌های آموزشی از جمله نهادهایی هستند که به طور اساسی در مسیر این تغییرات قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که کیفیت و چگونگی آموزش و یادگیری متحول شده و با محور قرار گرفتن انسان به عنوان یادگیرنده فعال و کمرنگ شدن محدودیت‌های ناشی از زمان و مکان، یادگیری الکترونیکی به عنوان پارادایمی جدید در این حوزه مطرح شده است. بدین ترتیب با توسعه فناوری اطلاعات از یک سو و علاقه مندان پرشمار برای ورود به آموزش عالی از سوی دیگر، اغلب دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی به طراحی و راه اندازی دوره‌های آموزش الکترونیکی روی آوردند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

آموزش الکترونیکی در ایران صنعتی نوپا در تکنولوژی آموزشی و آموزش از راه دور است، اما مراکز و مؤسسات آموزشی به ویژه دانشگاه‌ها در تلاش‌اند تا هرچه سریعتر الگویی مناسب با ساختار آموزشی و فرهنگی کشور در زمینه آموزش الکترونیکی^۱ ارائه کنند. در آموزش عالی ایران در یک دهه اخیر با توجه به چالش‌هایی از قبیل تقاضای روز افزون برای آموزش عالی و عدم کفایت بودجه، کمبود هیئت علمی تمام وقت، نیاز به حذف محدودیت‌های جغرافیایی و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزشی، آموزش الکترونیکی مورد توجه قرار گرفته است.

آموزش الکترونیکی، استفاده از منابع اینترنت محور در آموزش است (تراپادا و همکاران^۲، ۲۰۱۶ به نقل از کیاکجوری و میرتقیان رودسری، ۱۳۹۵). این شیوه از آموزش، ابزار مهمی در آموزش عالی عصر دیجیتال محسوب می‌شود (شوپووا^۳، ۲۰۱۲؛ به نقل از شاه حسینی و همکاران، ۱۳۹۴) که سبب تغییرات فرایند تدریس-یادگیری در نظام آموزش عالی شده است (ونکاتارمان و سیوا کومار^۴، ۲۰۱۵؛ به نقل از شاه حسینی و همکاران، ۱۳۹۴).

همگام با توسعه آموزش الکترونیکی در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موضوع ارزیابی برنامه‌های آموزش الکترونیکی و سنجش میزان موفقیت این سیستم‌ها اهمیت یافته است تا مشخص شود که تا چه اندازه در پیاده سازی و اجرای دوره‌های آموزش الکترونیکی موفق بوده‌اند. رشد روز

1- E-Learning

2- Tarpada&Et al

3- Shopova

4- Venkataraman&Sivakumar

افزون استفاده از رایانه و اینترنت در سال‌های اخیر باعث رشد و افزایش دوره‌های آموزش از راه دور و آموزش الکترونیکی در بسیاری از کشورها شده است.

استفاده مناسب از آموزش الکترونیکی به عنوان بهترین استراتژی برای بهبود کیفیت تدریس، یادگیری و ایجاد فرصت‌های برابر است (گلزاری و همکاران، ۲۰۱۱). برخی از منافع درک شده از این شیوه یادگیری عبارتند از فرصت یادگیری در هر زمان و هر مکان و ایجاد ارتباط و همکاری گسترده در میان فراگیران. آموزش الکترونیکی برای معلمان و اساتید به عنوان روشی برای ارائه آموزش انعطاف پذیر تر و ایجاد فرصت بیشتر برای فراگیران، تسهیل پیگیری پیشرفت یادگیرندگان و فعالیت‌های آنان و همچنین فراهم آوردن فرصتی برای ایجاد محیط‌های یادگیری اثربخش محسوب می‌شود؛ اما زمانی می‌توان عوامل ذکر شده را بهبود داد و کیفیت آن‌ها را تضمین کرد که این عوامل مورد بازبینی و ارزشیابی قرار بگیرند.

مهم‌ترین راه حل برای تضمین کیفیت و کارایی این نوع آموزش، به کارگیری ارزشیابی آموزش الکترونیکی در مراحل مختلف این نوع آموزش است. در واقع بدون ارزشیابی از برنامه‌های آموزش الکترونیکی و عناصر مرتبط با آن نمی‌توان این نوع آموزش را مطلوب قلمداد کرد و یا کیفیت آن را بهبود بخشید؛ اما اقدام برای ارزشیابی و تضمین کیفیت آموزش الکترونیکی می‌بایست در چارچوب علمی و بر مبنای مدل و روشی منسجم انجام شود تا از اثربخشی لازم برخوردار گردد (خلیفه و رضوی، ۱۳۹۰).

از این رو با استفاده از نظام آموزش الکترونیک به عنوان یکی از انواع آموزش از راه دور می‌توان موجبات کاهش نسبت استاد به فراگیر، کاهش فضای آموزشی موردنیاز، کاهش هزینه‌های سرانه و کاهش مهاجرت و جابجایی دانشجویان، یادگیری در هر زمان و مکان و... که از آرمان‌های آموزشی بوده را برآورده کرد. همچنین بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند که بسیاری از مؤسسات ارائه کننده دوره‌های آموزش الکترونیک در رسیدن به هدف اصلی «یادگیری» شکست خورده‌اند؛ بنابراین ارزشیابی از این دوره‌ها برای تعیین کیفیت برگزاری آنها می‌تواند مسئولان برگزاری این دوره‌ها را در بهبود فرایند برگزاری و افزایش کارایی و اثربخشی کمک نماید (زمانی، ۱۳۸۵).

پیاده سازی آموزش الکترونیکی به طور خودکار، اثربخشی آموزشی را به همراه ندارد (یانسون و جانسون^۱، ۲۰۱۶). برای ارزشیابی یک محیط یادگیری الکترونیک لازم است عوامل اصلی و کلیدی مؤثر در انجام موفقیت آمیز برنامه‌های یادگیری الکترونیکی شامل عناصر و ابعاد زیر بنایی آن شناسایی

گردد. در این زمینه عوامل اصلی موفقیت می‌توانند به عنوان آن فعالیتها و اجزایی در نظر گرفته شوند که باید به منظور اطمینان از انجام موفقیت آمیز برنامه‌ها مورد تأکید قرار گیرند. به عنوان مثال دانشگاه تامزوالی (به نقل از بامگراتنر^۱، هافل و می^۲، ۲۰۰۹) ساختار، فرایندهای مدیریت، تکنولوژی، استراتژی، افراد و نقشها و محیط خارجی را عوامل اصلی یک چهارچوب آموزش الکترونیک می‌داند و مرکز آموزش دانشگاه ایلی نويز (۲۰۰۷) طراحی آموزشی، ارتباط، تعامل و همکاری، سنجش و ارزشیابی فراگیر، منابع و خدمات پشتیبانی فراگیر، طراحی وب و ارزشیابی دوره را مهم می‌دانند (صراف زاده، ۱۳۸۴).

هیتلز و جاناسون (به نقل از دانیل و ای‌شان، ۲۰۱۰^۳) در یک مطالعه با هدف بررسی تعیین میزان رضایتمندی یادگیرنده از خصوصیات متنوع نظامهای یادگیری الکترونیک؛ ادعا کرد که سنجش و ارزشیابی از یادگیری‌های الکترونیک و اثربخشی این دوره‌های آموزشی الزامی است. همچنین بارس و همکاران (دانیل و آبشان، ۲۰۱۰) نیز در نتیجه گیری از یک مطالعه که برای سنجش میزان اثربخشی دانشجویان از دوره‌های آموزش الکترونیک انجام داده بودند؛ اظهار کردند که ارزشیابی از اثربخشی این دوره‌های آموزشی می‌تواند برای موسسه‌های برگزار کننده و افزایش بازدهی دوره هاب آموزشی ضروری است. لوی (به نقل از کولایس و دی سانتو^۴، ۲۰۱۱) اظهار می‌کند که وقتی دوره‌های یادگیری الکترونیک انجام می‌گیرد انتظار می‌رود که نظر فراگیران در رابطه با برون‌دادها بررسی شود و باید بر اساس منطق اندازه گیری و ارزشیابی انجام شود تا مشخص گردد برای فراگیران چه چیزی ارزش دارد. علیرغم ارزشیابی‌های متعدد انجام شده با رویکردهای مختلف پیرامون یادگیری الکترونیک بسیاری از محققان و صاحب نظران به فقدان مطالعات سیستماتیک ارزشیابی از برنامه‌های یادگیری الکترونیکی اذعان داشته‌اند.

اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان وضعیت یادگیری الکترونیکی واحد آموزش مجازی دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت یادگیری الکترونیکی از لحاظ ابعاد ویژگی‌های فردی یادگیرنده و زیرساخت و فناوری مطلوب، از لحاظ پشتیبانی وضعیت نسبتاً مطلوب و از لحاظ محتوای آموزشی و سنجش و ارزیابی از وضعیت نامطلوبی

1 - Baumgartner

2 - Hafele&Maier

3 - Daniel&Yi-Shun

4 - Colace&DeSanto

برخوردار می‌باشد. همچنین بررسی شکاف میان میزان عملکرد و اهمیت هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های یادگیری الکترونیکی، مشخص نمود که تمامی آن‌ها دارای شکاف منفی است.

کیاکجوری و میرتقیان رودسری (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان بررسی نگرش دانشجویان به میزان اثربخشی عوامل مؤثر بر توسعه آموزش الکترونیکی انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که تمامی فرضیه‌ها تأیید شدند و از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر، تمامی عوامل به ترتیب اثرگذاری (عامل آموزشگاهی، فناوری، پشتیبانی منابع، مدیریت، طراحی رابط، اخلاقی، ارزشیابی و تربیتی) بر توسعه آموزش الکترونیکی تأثیر دارند. همچنین با توجه به نظامی بودن محیط دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر اهم پیشنهادها از این قرار است که مسئولان و مدیران دانشگاه، می‌بایست زمان‌دار بودن خدمات را تضمین نمایند؛ مهارت کادر دانشگاهی (اساتید و کارکنان) در حوزه آموزش الکترونیکی به‌طور پیوسته می‌بایست مورد ارزیابی قرار گیرد و با توجه به ماهیت نظامی دانشگاه و با تأکید بر حوزه آموزش الکترونیک، سبک رهبری مناسب اتخاذ گردد.

آرین مهر، کیان و برزگر بفرویی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان ارزیابی اثربخشی دوره‌های الکترونیکی آموزش ضمن معلمان شهر یاسوج بر اساس مدل کرک پاتریک انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که اهداف آموزش مطلوب و اثرگذار طراحی شدند. یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داد محتوای دوره‌های آموزشی نیز دارای اثربخشی مثبت بود. با توجه به اینکه میانگین گویه‌های بعد یادگیری از میانگین نظری نیز بیشتر بود، بنابراین یادگیری الکترونیکی هم در حد مطلوب و دارای اثربخشی مثبت بود. در پایان یافته‌های پژوهش نشان داد هر چه علاقه و انگیزه برای شرکت در دوره‌های الکترونیکی آموزش ضمن خدمت بیشتر باشد، به همان اندازه نیز یادگیری بیشتر خواهد بود. اناری نژاد و محمدی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان شاخص‌های عملی ارزشیابی آموزش الکترونیکی در مؤسسات آموزش عالی ایران انجام دادند که به ارزشیابی سازمانی و برنامه‌ای آموزش الکترونیکی در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پرداختند که نتایج پژوهش نشان داد که دانشگاه‌ها در ابعاد طراحی محیط ارائه، مدیریت، جنبه‌های آموزشی و امور سازمانی به ترتیب، وضعیت مناسب‌تری دارند و در ابعاد خدمات پشتیبانی، ملاحظات اخلاقی، فناوری و ارزشیابی، نسبت به سایر ابعاد از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیستند.

نورالهی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان ارزیابی دوره‌های آموزش الکترونیکی دانشکده مجازی علوم و حدیث با توجه به معیارهای کیفیت در آموزش الکترونیکی به این نتیجه رسیدند که

کیفیت دوره‌های آموزش الکترونیکی این دانشکده با توجه به معیارهای (طراحی محتوای آموزشی، سنجش و ارزشیابی دانشجویان، فناوری، سیستم پشتیبانی) در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارد. فتحی و اجارگاه، پرداختچی و ربیعی (۱۳۹۰) ارزشیابی اثربخشی دوره‌های آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که از نظر استادان اثربخشی دوره آموزش مجازی مطلوب بوده و دانشجویان اثربخشی این دوره را در حد متوسط برآورد نموده‌اند. همچنین مقایسه بین نظرات استادان و دانشجویان نشان داد که استادان در مورد اثربخشی دوره آموزش مجازی، نظرات مثبت‌تری نسبت به دانشجویان دارند.

رودالوا^۱، کاباشوا و کولوا^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش الکترونیکی: بر مبنای ارزشیابی دانشجویان انجام دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که عوامل مؤثر در اثربخشی عبارتند از به موقع ظاهر شدن آموزش الکترونیکی در دانشگاه، روابط کاربری سیستم‌های منابع آموزش الکترونیکی در وب سایت دانشگاه، استفاده مداوم از عناصر یادگیری الکترونیکی توسط اساتید در فرآیند آموزش، ارزشیابی ضرورت استفاده از عناصر آموزش الکترونیکی در دانشگاه، دسترسی به ارتباط ویدئویی با اساتید به عنوان عنصر آموزش الکترونیکی.

لیاو هوانگ^۳ (۲۰۱۳) مدل اثربخشی آموزش الکترونیکی را از طریق بررسی ویژگی‌های مدرس؛ ویژگی‌های دانشجو؛ عوامل مرتبط با دانشگاه؛ عوامل آموزشی؛ عوامل محیطی ارائه نمودند. ساگانت^۴ (۲۰۱۴) اظهار می‌کند که ارزیابی نظام آموزش الکترونیکی باید بر ابعاد اصلی کیفیت اطلاعات (محتوا، قابلیت ناوبری) و کیفیت سیستم (بخش فنی و پاسخگویی) تأکید کرد. ابراهیم^۵ (۲۰۱۴) معتقد است که در آموزش الکترونیکی باید بر سه عامل مدیریتی، پشتیبانی و اهداف یادگیری تأکید داشت.

ابونیمه و زایری^۶ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان چارچوبی برای ارزیابی اثربخشی آموزش الکترونیکی در اتحادیه عرب در ارزیابی اثربخشی آموزش الکترونیکی به این نتایج دست یافته‌اند که گروهی تنها

1.-Rudaleva

2 - Kabasheva&Kovaleva

3- Liaw&Huang

4- Sugant

5- Ibrahim

6- AbuSneineh &Zairi

بر جنبه‌های فناورانه، گروهی دیگر تنها بر جنبه‌های پداگوژیکی و گروهی دیگر بر هردو (ترکیب) این دو تمرکز دارند.

بررسی مطالعات در حوزه آموزش الکترونیکی نشان می‌دهد که سهولت دسترسی به منابع آموزشی، امکان دسترسی در هر زمان و مکان، انعطاف پذیری (سلیمانی، ۱۳۹۰)؛ کاهش هزینه و اتلاف وقت، یادگیرنده محور بودن (آرکوفول و آبایدو، ۲۰۱۵) و افزایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان (موثیبی، ۲۰۱۵) به نقل از شاه حسینی و همکاران، (۱۳۹۴) از ویژگی‌های اصلی آن است. اگر چه پژوهش‌های زیادی در زمینه ارزشیابی اثربخشی دوره‌های آموزش الکترونیکی انجام شده است، با وجود این هنوز بسیاری از سؤالات در این زمینه بدون پاسخ باقی مانده است. برخی از این سؤالات را اینگونه می‌توان دسته بندی کرد: سیستم‌های یادگیری الکترونیکی چگونه می‌توانند از یادگیرندگان بیشتر حمایت کنند؟ آیا ارائه آموزش از طریق یادگیری الکترونیکی و دوره‌های بر خط از یادگیری چهره به چهره کلاسی مفیدتر است؟ کدام جنبه‌های یادگیری الکترونیکی از یادگیری رو در رو مناسب‌تر است؟ اجرا و پیاده سازی دوره‌های آنلاین و یادگیری الکترونیکی تا چه اندازه مفید و به صرفه است؟ بدون تردید برای پاسخ دادن به سؤالات مطرح شده تنها راه ممکن استفاده از ارزشیابی کیفیت یادگیری الکترونیکی است.

روش

مطالعه حاضر از نوع مقطعی و توصیفی است. در این تحقیق جامعه آماری کلیه افراد شرکت کننده در دوره آموزش الکترونیک نرم افزار spss-19 در آموزشگاه کامپیوتر مهر دانش کرمان بودند که به صورت سرشماری ۷۰ نفر (۴۲ زن و ۲۸ مرد) مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه‌ای محقق ساخته مشتمل بر ۵ مؤلفه بود. ارزشیابی (۴ سؤال). نظم و هماهنگی (۴ سؤال)، رفتاری و اخلاقی (۳ سؤال)، انگیزشی (۵ سؤال) و عملکرد کلی (۳ سؤال). سؤالات روی طیف ۵ ارزشی؛ کاملاً خوب (۵). خوب (۴). نسبتاً خوب (۳)، ضعیف (۲) و بسیار ضعیف (۱) نمره گذاری

1- Arkorful & Abaidoo

2- Mothibi

می‌شوند. برای تعیین میزان اثربخش بودن دوره در هریک از ابعاد از دیدگاه گروه نمونه؛ میانگین نمره‌های هر یک از گروه‌های نمونه بر تعداد سئوالات آن عامل تقسیم گردید. بر این اساس؛ دامنه نمره به دست بین ۴ تا ۵ (بسیار خوب)، نمره بین ۳ تا ۳/۹۹ (خوب)، نمره بین ۲ تا ۲/۹۹ (متوسط)، نمره بین ۱ تا ۱/۹۹ (ضعیف) و نمره زیر ۱ (بسیار ضعیف) درجه بندی شد. جهت تعیین اعتبار ابزار، از اعتبار محتوا استفاده گردید. بدین منظور پس از بررسی متون و منابع کتابخانه‌ای سئوالات طراحی و با ۵ تن از افراد متخصص و صاحب نظران مشاوره شد و اصلاحات لازم صورت پذیرفت. جهت تعیین پایایی، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که با ضریب ۰/۷۷ مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

وضعیت گروه نمونه در پژوهش حاضر در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. نمونه مورد بررسی شامل ۷۰ نفر بوده است که ۴۲ نفر زن و ۲۸ نفر را مردان تشکیل می‌دادند. همچنین وضعیت شاغل بودن و غیر شاغل بودن و میزان تحصیلات گروه نمونه نیز به تفکیک جنسیت نشان داده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های مربوط به آمار توصیفی برای نمونه‌های مورد بررسی

وضعیت شغلی	تحصیلات			درصد	فراوانی	جنسیت
	شاغل	بیکار	فوق دیپلم			
بیکار	۲۸	۱۴	۱۰	۶۰	۴۲	زن
شاغل	۱۸	۱۰	۸	۴۰	۲۸	مرد
	۴۵	۲۴	۱۸	۱۰۰	۷۰	کل

جدول ۲: شاخص‌های مربوط به آمار توصیفی برای نمونه‌های مورد بررسی و همچنین سطح

اثربخشی هر عامل

سطح اثربخشی	شاخص توصیفی		گروه	عامل
	انحراف استاندارد	میانگین		
خوب	۴/۲۴	۱۵/۷۴	مرد	ارزشیابی
خوب	۳/۵۷	۱۵/۰۴	زن	
خوب	۴/۶۷	۱۵/۳۸	کل	

نظم و هماہنگی	مرد	۱۴/۴۴	۳/۶۷	خوب
	زن	۱۱/۲۵	۳/۲۵	متوسط
رفتاری-اخلاقی	مرد	۹/۰۷	۲/۱۷	خوب
	زن	۸/۵۵	۲/۸۴	متوسط
	کل	۸/۷۴	۳/۲۲	متوسط
انگیزشی	مرد	۱۲/۱۴	۲/۷۸	متوسط
	زن	۱۶/۴۵	۲/۵۹	خوب
	کل	۱۴/۲۸	۳/۰۸	خوب
عملکرد کلی	مرد	۷/۷۸	۱/۵۷	متوسط
	زن	۷/۳۷	۲/۰۲	متوسط
	کل	۷/۵۷	۲/۲۴	متوسط

در جدول ۲ شاخص‌های مربوط به آمار توصیفی برای نمونه‌های مورد بررسی شامل میانگین، انحراف استاندارد در هر عامل و همچنین سطح اثربخشی هر عامل از نظر نمونه مردان، زنان و کل گروه نمونه را بر اساس شاخص میانگین نشان می‌دهد. همانگونه که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد اثر بخشی عامل ارزشیابی از نظر گروه نمونه زنان، مردان و کل گروه نمونه در سطح خوب است. در عامل نظم و هماہنگی از نظر مردان خوب، از نظر زنان متوسط و از نظر کل نمونه نیز در حد خوب است. در عامل رفتاری-اخلاقی از نظر مردان خوب، از نظر زنان و نظر کلی گروه در سطح متوسط است. در عامل انگیزشی از نظر مردان در حد متوسط ولی از نظر زنان و کل گروه نمونه در حد خوب است. عملکرد کلی دوره آموزشی نیز از نظر مردان و زنان در حد متوسط است.

جدول ۳: بارهای عاملی سئوالات روی عامل‌های پنجگانه

عامل	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی
ارزشیابی	۰/۶۷	۱			
	۰/۷۱	۲			
	۰/۶۶	۳			
	۰/۶۸	۴			
نظم و هماهنگی	۰/۴۷	۱			
	۰/۴۵	۲			
	۰/۳۹	۳			
	۰/۵۳	۴			
رفتاری- اخلاقی	۰/۵۲	۱			
	۰/۵۷	۲			
	۰/۵۳	۳			
انگیزشی	۰/۴۶	۱			
	۰/۵۱	۲			
	۰/۵۳	۳			
	۰/۷۰	۴			
	۰/۶۸	۵			
عملکرد کلی	۰/۵۰	۱			
	۰/۵۸	۲			
	۰/۴۰	۳			

جدول ۴: مقادیر ارزش، درصد واریانس تبیین شده و درصد تراکمی واریانس تبیین شده

عامل	تعداد سوال	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تراکمی واریانس تبیین شده
ارزشیابی	۴	۱۵/۷	۳۷٪	۳۷٪
نظم و هماهنگی	۴	۹/۸۸	۲۰٪	۵۷٪

رفتاری-اخلاقی	۳	۵/۶۱	۱۲٪	۶۹٪
انگیزشی	۵	۴/۶	۸/۵٪	۷۷/۵٪
عملکرد کلی	۳	۳/۴۴	۴٪	۸۱/۵٪

با توجه به نتایج جدول ۴، اولین عامل ارزشیابی است که با ارزش ویژه ۱۵/۷ حدود ۳۷٪ از واریانس را تبیین می‌کند. نظم و هماهنگی با ارزش ویژه ۹/۸۸ بیش از ۲۰٪ و عامل رفتاری - اخلاقی با ارزش ویژه ۵/۶۱ حدود ۱۲٪ عامل انگیزشی با مقدار ویژه ۴/۶ ۸/۵ درصد و عملکرد کلی با مقدار ویژه ۳/۴۴ حدود ۴ درصد از واریانس پرسشنامه را تبیین می‌کنند. در کل ۵ عامل شناسایی شده درصد قابل ملاحظه‌ای از واریانس مربوط (۸۱٪) را تبیین می‌کنند.

قبل از پرداختن به آزمون تفاوت میانگین در دو گروه مستقل، مفروضه نرمال بودن همه متغیرهای پژوهش موردبررسی قرار گرفت و همگی با سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ تأیید شد.

جدول ۵: نتیجه آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین نمرات گروه نمونه زنان و مردان در ابعاد مختلف

شاخص	نتیجه آزمون لوین		نتیجه آزمون تی مستقل	
	F	سطح معنی داری	T	Df
ارزشیابی	۱/۸۵	۰/۲۱	۰/۸۹۳	۶۸
نظم و هماهنگی	۰/۷۵	۰/۴۷	۲/۲۵	۶۸
رفتاری- اخلاقی	۱/۱۲	۰/۳۲	۲/۰۷	۶۸
انگیزشی	۰/۰۹	۰/۸۷	۳/۱۷	۶۸
عملکرد کلی	۰/۵۴	۰/۶۱	۰/۲۲	۶۸

همانگونه که جدول ۵ نشان می‌دهد نتیجه آزمون لوین و سطح معنی داری بیانگر تأیید فرضیه صفر و نتیجتاً برقراری فرض همگنی واریانس‌های دو گروه در ابعاد مختلف است. نتایج آزمون تی مستقل نیز نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده در عامل‌های نظم و هماهنگی و رفتاری اخلاقی در سطح (۰/۰۵) و در عامل انگیزشی در سطح (۰/۰۱) معنی دار است. این در حالی است که در عامل ارزشیابی و عملکرد کلی تفاوت معنی داری بین نظرات دو گروه وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

ارزیابی توسعه آموزش الکترونیکی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، همواره یکی از دغدغه‌های متولیان نظام آموزشی بوده است. امروزه، دانشجویان دیگر افرادی که نظام آموزشی معاصر برای آن‌ها طراحی شده است، نیستند. آن‌ها دسترسی وسیعی به فناوری‌ها دارند و با فناوری‌های نوین نیز آشنا هستند (چئونگ و هئو^۱، ۲۰۰۹؛ به نقل از نصیری و همکاران، ۱۳۹۳). این دانشجویان کاربرد فناوری‌های اطلاعات را جز مفیدی از دوره‌های آموزشی می‌دانند (لاکی و همکاران^۲، ۲۰۱۵). فشار روز افزونی بر مؤسسه‌های آموزش عالی در مناطق مختلف جهان اعمال شده تا به سمت بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات حرکت کنند و میزان دسترسی به برنامه‌هایشان را برای مخاطبان وسیع‌تر نمایند (تراب-نخوسی^۳، ۲۰۰۹؛ به نقل از مهدیون و همکاران، ۱۳۹۰). ارتقا و توسعه سطح کیفیت آموزشی نیاز به انتقال دانش در کوتاه‌ترین زمان دارد؛ به طوری که سیستم‌های سنتی آموزش جهت برآوردن نیازهای آموزشی مدون امروزی کافی نیست (کاظمی ملک محمودی و همکاران، ۱۳۹۴). توسعه آموزش یک ضرورت جهانی و آموزش الکترونیکی یکی از بهترین راه‌حل‌های آن است (یعقوبی، ۱۳۸۸).

هدف از پژوهش حاضر ارزشیابی میزان اثربخشی یک دوره آموزش الکترونیکی در موسسه مهر دانش می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که از نظر فراگیران شرکت‌کننده در دوره آموزش الکترونیک؛ عملکرد در مؤلفه‌های ارزشیابی، نظم و هماهنگی خوب بوده است. در عامل رفتاری-اخلاقی از نظر مردان خوب و از نظر زنان در سطح متوسط است. در عامل انگیزشی از نظر مردان در حد متوسط ولی از نظر زنان در حد خوب است. عملکرد کلی دوره آموزشی نیز از نظر مردان و زنان در حد متوسط بوده است. نتایج آزمون تی مستقل نیز نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده در عامل‌های نظم و هماهنگی و رفتاری اخلاقی در سطح (۰/۰۵) و در عامل انگیزشی در سطح (۰/۰۱) معنی دار است. این در حالی است که در عامل ارزشیابی و عملکرد کلی تفاوت معنی داری بین نظرات دو گروه وجود ندارد. نتایج پژوهش با پژوهش‌های کیاکجوری و میرتقیان رودی (۱۳۹۵) و نورالهی و همکاران (۱۳۹۲) همسو و با پژوهش اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵) و اناری نژاد و محمدی (۱۳۹۳) ناهمسو می‌باشد.

1- Cheung & Hew

2- Lockey&Et al

3- Turab-Nkhosi

بر اساس مطالعات پیشین، پژوهش‌های داخلی و خارجی اندکی در این زمینه برای تفسیر، صورت گرفته است. تجربیات موجود در کشور نشان دهنده این واقعیت است که عدم آشنایی و آمادگی مؤسسات و سازمان‌ها برای آموزش در فضای مجازی از اثربخشی آموزش‌ها به شدت می‌کاهد. در موارد متعددی از دوره‌های آموزشی ارائه شده در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، میزان بهره مندی دانشجویان و فراگیران از محتوای آموزشی مطالعه شده و وابستگی آن به توانمندی و سطح علاقه و انگیزه‌ی اساتید برای آموزش در فضای مجازی به اثبات رسیده است. مؤسسات و مدرسانی که آمادگی الکترونیکی لازم برای تدریس در فضای مجازی را دارند علاوه بر افزایش اثربخشی و انتقال مطالب آموزشی، باعث ایجاد انگیزه و افزایش علاقه مندی در فراگیران نیز می‌شود. در مقابل، عدم تسلط و علاقه‌ی مدرسین به شدت باعث کاهش بهره مندی فراگیران و ناکارآمدی آموزش‌ها می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌هایی از این دست بر اساس مدل تحلیل اهمیت/عملکرد قابل تبیین و تحلیل هستند. در مدل تحلیل اهمیت/عملکرد، هر یک از شاخص‌ها، به اقتضای شرایط موجود و نظر مخاطبان می‌توانند درجه اهمیت متفاوتی را اختیار کنند (کلایس، دی سانتو^۱، ۲۰۱۱). این ویژگی مدل تحلیل اهمیت/عملکرد را از انعطاف پذیری و مزیت بالایی برای ارزیابی کیفیت دوره‌های یادگیری الکترونیکی برخوردار ساخته است. تحلیل چند بعدی، ارزیابی چند شاخصه، امکان تحلیل انفرادی و گروهی شاخص‌ها، انعطاف پذیری بالا، توانمندی در نشان دادن نقاط قوت و ضعف، جهت دهی به منظور تخصیص بهینه منابع و بسترسازی در تدوین راهبرد اصلاحی، همگی از خصوصیات مطلوبی هستند که مدل تحلیلی اهمیت/عملکرد را به ابزاری تحلیلی اثربخش، تبدیل نموده است، به طوری که می‌توان از آن به عنوان چارچوبی برای ارزیابی و آسیب شناسی جنبه‌های مختلف فعالیت‌های یک سیستم، از جمله در تحلیل، ارزشیابی و تضمین کیفیت سیستم یادگیری الکترونیکی بهره گرفت. با توجه به آنچه که ذکر آن رفت، گسترش و شیوع نظام یادگیری الکترونیکی در سطوح مختلف نظام آموزشی و به ویژه در نظام آموزش عالی، یکی از بخشهای جدید و بسیار مهم در مراکز آموزشی است که ارزشیابی کیفیت در آن ضرورت دارد (کرمی پور، ۱۳۸۱).

در واقع ارزشیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی از یک سو، آینه ای فراهم می‌آورد تا مدیران و کارکنان سازمان تصویری روشن‌تر از چگونگی کم و کیف فعالیت‌های آموزشی به دست آورند و از سوی دیگر، برنامه ریزان و کادر آموزشی سازمان را مجهز می‌سازد تا نسبت به جنبه‌های ضعف و قوت برنامه آگاهی پیدا کنند و از این راه به اثربخش کردن برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی کمک کنند،

در حال حاضر ارزشیابی از فناوری‌های جدید یادگیری به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از تدریس و یادگیری الکترونیکی شناخته شده است. آموزش الکترونیکی زیرمجموعه و فصل مشترک فناوری اطلاعات و فناوری آموزشی است، به عبارتی ظهور قرن فناوری اطلاعات و رهاوردهای آن، تغییرات سریع در ساختار آموزشی از جمله مرز گستری و انجام آموزش در خارج از مکان و زمان را در برداشته است (گلزاری و همکاران، ۲۰۱۱).

پس ارزشیابی عنصری کلیدی در تضمین کیفیت یادگیری الکترونیکی است. با انجام ارزشیابی در واقع می‌توان کیفیت یادگیری الکترونیکی را تضمین کرد؛ و برای گسترش و استفاده از آن در امور مختلف آموزشی برنامه ریزی و آینده نگری کرد. با توجه به اهمیت و نقش مهم یادگیری الکترونیکی در افزایش کیفیت کارکرد آموزش، برنامه ریزان، دست اندرکاران و مدیران مربوطه در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها باید علاوه بر ارزشیابی از بخش‌های آموزشی، به ارزشیابی از یادگیری الکترونیکی نیز پرداخته و نقاط قوت و ضعف این بخش از فعالیت خود را بشناسند و برای تقویت نقاط قوت و یا رفع کاستی‌های و نقص‌های احتمالی این بخش اقدام کنند تا بدین وسیله شاهد پویایی و اعتلای بیشتر مراکز آموزش در کشور باشیم. بدون شک اجرای ارزشیابی در زمینه یادگیری الکترونیکی در مراکز آموزش عالی در کنار سایر بخشهای آموزش عالی کمک زیادی به پیشرفت و بهبود وضع کیفی آموزش الکترونیک خواهد نمود.

منابع

- ۱- اسماعیلی، هادی. رحمانی، شاهپور و کاظمی، احمد. (۱۳۹۵). ارزیابی وضعیت یادگیری الکترونیکی واحد آموزش مجازی دانشگاه سیستان و بلوچستان، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال نهم، ۲۲۲-۲۰۳.
- ۲- اناری نژاد، عباس و محمدی، مهدی (۱۳۹۳). شاخص‌های عملی ارزشیابی آموزش، الکترونیکی در آموزش عالی ایران. مجله دانشگاهی یادگیری الکترونیکی (مدیا)، دوره ۵، شماره ۱، بهار ۹۳، ۱۱-۲۵.
- ۳- آرین مهر، امید علی. کیان، مریم و برزگر بفرویی، کاظم. (۱۳۹۴). ارزیابی اثربخشی دوره‌های الکترونیکی آموزش ضمن خدمت معلمان شهر یاسوج بر اساس مدل کرک پاتریک، سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد علوم پژوهشی نوین، ۱۲-۱.
- ۴- خلیفه، قدرت الله و رضوی، سیدعباس. (۱۳۹۰). ارزشیابی و تضمین کیفیت در یادگیری الکترونیکی با استفاده از مدل تحلیل اهمیت-عملکرد، مجله مدیا، دوره ۳، شماره ۱، ۴۴-۳۳.
- ۵- زمانی، بی بی عشرت. (۱۳۸۵). «آموزش فناوری در کتاب‌های درسی کشورهای پیشرفته انگلستان»، فصلنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۵۵.
- ۶- سلیمانی، الهام. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش‌های سازمانی با تأکید بر آموزش الکترونیکی، نخستین همایش آسیب شناسی آموزش سازمانی،
http://www.civilica.com/Paper-CORGEDU01-CORGEDU01_034.html
- ۷- شاه حسینی، محمد علی. نارنجی ثانی، فاطمه. عبادی، رحیم و رودباری، حمید. (۱۳۹۴). ارزیابی کیفیت خدمات نظام یاددهی-یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی، تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، دوره ۴۹، شماره ۲، ۲۷۷-۳۰۳.
- ۸- صراف زاده، مریم. (۱۳۸۴). برخی کارکردهای آموزشی و پژوهشی وبلاگها، مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (نما)، دوره پنجم شماره یک ۲۲ مهر.
- ۹- فتحی واجارگاه، کوروش. پرداختچی، محمد حسن و ربیعی، مهدی. (۱۳۹۰). ارزشیابی اثربخشی دوره‌های آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد)، فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال اول، شماره چهارم، ۲۱-۵.

- ۱۰- کاظمی محمودی، شیما. پیری توسنلو، مسعود. نوروزی، نصراله و آرای، محمد. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه آموزش الکترونیکی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، توسعه آموزش جندی شاپور، سال ۶، شماره ۳، ۲۲۹-۲۳۶.
- ۱۱- کرمی پور، محمد رضا. (۱۳۸۱). آموزش متناسب با عصر اطلاعات» رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۷. ص ۲۷.
- ۱۲- کیاکجوری، داوود و میرتقیان رودسری، سید محمد. (۱۳۹۵). بررسی نگرش دانشجویان به میزان اثربخشی عوامل مؤثر بر توسعه آموزش الکترونیکی (مورد مطالعه: دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر)، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی، شماره ۵، ۶۶-۵۱.
- ۱۳- گلزاری، زینب. کیامنش، علیرضا. قورچیان، نادرعلی و جعفری، پریش. (۱۳۸۹). تدوین و اعتبار سنجی ارزشیابی کیفیت درونی آموزش الکترونیکی در نظام آموزش عالی کشور، مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۱، شماره ۱، ۱۶۰-۱۸۵.
- ۱۴- مهدیون، روح الله. قهرمانی، محمد. فراست خواه مقصود و ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۰). کیفیت یادگیری در مراکز آموزش الکترونیکی دانشگاهی، مطالعه‌ای کیفی، تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، سال ۴۵، شماره ۵۸، ۷۷-۱۰۰.
- ۱۵- نصیری، فخرالسادات. قنبری، سیروس. اردلان، محمدرضا و کریمی، ایمان. (۱۳۹۳). تأثیر زیرساخت‌ها و آمادگی اعضای هیئت علمی در پیاده سازی اثربخش آموزش الکترونیک بر اساس مدل پذیرش فناوری، دو ماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۷، شماره ۵، ۳۳۰-۳۳۸.
- ۱۶- نورالهی، سعید، حکیمزاده، رضوان، سراجی، فرهاد و نظرزاده زارع، محسن. (۱۳۹۲). ارزیابی دوره‌های آموزش الکترونیکی دانشکده مجازی علوم حدیث با توجه به معیارهای، کیفیت در آموزش الکترونیکی، فصلنامه یادگیری الکترونیکی مدیا، دوره ۴، شماره ۲، ۱-۱۲.
- ۱۷- یعقوبی، جعفر. (۱۳۸۸). تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر موفقیت یادگیری الکترونیکی از دیدگاه دانشجویان مجازی، چهارمین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی آموزش الکترونیک، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران

- of Education* (Third Edition). Pages 521-535. Retrieved from <http://www.sciencedirect.com/science/referenceworks/978008044894>.
- 2- Baumgartner, P. Hafele, M. and Maier. K. (2009). *ELearning Praxishandbuch - Auswahl von Lernplattformen*. Innsbruck: Studienverlag.
 - 3- Colace, F. DeSanto M. (2011). "Evaluating On-line Learning Platforms: a Case Study", in *Proc. 36th Hawaii International Conference on System Sciences*, Hawaii, IEEE Press.
 - 4- Daniel, Y. Shee, Yi-Shun Wang. (2010). Multi-criteria evaluation of the web-based e-learning system: A methodology based on learner satisfaction and its applications *Computers & Education*, Volume 50, Issue 3, Pages 894-905.
 - 5- http://www.civilica.com/Paper-ICELEARNING04-ICELEARNING04_020.html
 - 6- Ibrahim, O. (2015). Suggested Model for E-learning Quality service. *Journal of Business Management & Social Sciences Research*, 4(1): 54-58
 - 7- Liaw, S. S. & Huang, H. M. (2013). Perceived satisfaction, perceived usefulness and interactive learning environments as predictors to self-regulation in e-learning environments, *Journal of Computers & Education*, 60(1): 14-24.
 - 8- Lockey, S. A. Dyal, L. Kimani, P. K. Lam, J Bullock, I. Buck, D. Davies, R. P. & Perkins, G. D. (2015). *Electronic learning in advanced resuscitation training: The perspective of the candidate*, Resuscitation, No. 97; 48-54.
 - 9- Rudaleva' I. Kabasheva' I. Kovaleva' E. (2016). The effectiveness of e-learning: Based on students' evaluation, *ERPA International Congresses on Education*, pp7.
 - 10- Sugant, R. (2014). A Framework for Measuring Service Quality of E-Learning Services, *Proceedings of the Third International Conference on Global Business, Economics, Finance and Social Sciences*, (GB14Mumbai Conference) Mumbai, India. 19-21 December 2014.
 - 11- Yanson, R. Johnson, R. D. (2016). An empirical examination of e-learning design: The role of trainee socialization and complexity in short term training, *Computers & Education*, No. 101; 43-54.

نقش شبکه‌های اجتماعی در آموزش و یادگیری و ارائه راهکارهای اجرایی آن

عیسی زمانیان* / الهه آقاپور** / استیره ابراهیمی***

چکیده

امروزه ارتباط‌ها حد و مرزهای خود را شکسته و همه در هر مکان و زمانی می‌توانند با هم در زمینه‌های متعدد در ارتباط باشند. شبکه‌های اجتماعی از جمله فناوری‌هایی که در تسهیل این امر بی‌نهایت تأثیر گذار بوده است. با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی در فضاهای اجتماعی، فردی و در جوامع امروز بشری رخنه کرده‌اند و شیوه زندگی، آموزش، یادگیری، کار و دانش را تحت تأثیر قرار داده است، بحث در این مورد خالی از لطف نیست. لذا هدف این پژوهش بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزای جهت آموزش و یادگیری و ارائه راهکارهای اجرایی آن می‌باشد. مقاله حاضر از نوع مروری بوده و در تدوین آن از جستجوهای اینترنتی با استفاده از موتورهای جستجوگر، کلید واژه‌های شبکه‌های اجتماعی، آموزش و یادگیری، روش تدریس، در پایگاه داده‌های معتبر از جمله Magiran, Noormags, Scientific Information Database, Science Direct, Google Scholar و مطالعات کتابخانه‌ای در کتب و مقالات علمی منتشر شده استفاده شده است. همچنین در جستجوهای کتابخانه‌ای از کتاب‌ها، پایان نامه، نشریات منتشر شده از سال ۱۳۸۴-۱۳۹۶ (۲۰۰۵-۲۰۱۶) استفاده شد و تعداد آن‌ها با بررسی انجام شده در حدود ۵۰ منبع بود که به دلیل همپوشی بسیار زیاد این منابع با همدیگر، در نهایت ۳۰ منبع به عنوان منابع اصلی انتخاب گردید و مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و یادگیری در سالهای اخیر با استقبال چشمگیری مواجه شده است و

* تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، کارشناس آموزش ابتدایی شهرستان سلسله

** کردستان، دانشگاه کردستان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

*** کردستان، دانشگاه کردستان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

در حالت کلی با استفاده از این شبکه‌ها می‌توان گامی در جهت تحقق عدالت آموزشی برداشت. در نتیجه با توجه به تأثیرات فراوان کاربرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در آموزش می‌بایست به طور علمی و با برنامه ریزی دقیق و مبتنی بر طرح درس به سمت استفاده گسترده از این فناوری در امر آموزش حرکت کرد و شرایط لازم را با توجه به یافته‌های علمی قابل استناد، فرهنگ سازی در بین معلمان و خانواده‌ها، فراهم آوردن زیرساخت‌های موردنیاز و آموزش معلمان برای استفاده مطلوب و مناسب از شبکه‌های آموزشی در هر درس به فراخور نیاز آن فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، روش تدریس، آموزش و یادگیری، راهکارهای اجرایی

مقدمه

گسترش سریع به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر شایسته‌ای بر بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد داشته است (شنگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). در راستای گسترش چشمگیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، آموزش و پرورش به عنوان مبدأ تحولات در هر جامعه‌ای ملزم به بکارگیری این فناوریهای نوین در امر آموزش است. رشد قابل توجه فناوریهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی، در طول دو دهه‌ی گذشته، آموزش و پرورش را در بسیاری از کشورها وارد مرحله‌ی جدیدی از رشد و شکوفایی کرده است. امروزه دیگر آموزش به چارچوب بسته مدارس محدود نیست و با توجه به از میان رفتن مرزها و فاصله‌ها، با کمک ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، محیط مناسب برای یادگیری همواره در سطحی وسیع و با انعطاف پذیری بالا در دسترس همگان قرار دارد؛ به گونه‌ای که شرایط آموزش مستمر یا مادام‌العمر برای افراد فراهم آمده است.

یکی از پرکاربردترین فناوری‌ها، فناوری‌های نوین ارتباطات از طریق اینترنت است. اینترنت قابلیت‌های متعددی به معلم برای بسترسازی محیط‌های جدید یادگیری داده است. یکی از این قابلیت‌ها شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از پر طرفدارترین ابزارهای اینترنتی است که با شناخت کارکردها و قابلیت‌ها و محدودیت‌های این ابزار می‌توان از آن به عنوان ابزار نوینی در امر آموزش و یادگیری برای اهداف از پیش تعیین شده استفاده نمود (چراغ ملایی و همکاران، ۱۳۹۲). بهره مندی از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به بخش‌های مختلف بدنه آموزشی از جمله آموزش دانش آموزان، پیشرفت، انگیزه، ارتباط با همسالان و تجربه‌های یادگیری کمک کنند. استفاده روز افزون از این شبکه‌ها و تأثیری که روی فرهنگ، طرز فکر و عمل استفاده کنندگان آن دارد، نظام آموزشی را متحول کرده و در توسعه و ارتقای سطح آموزشی و علمی کلاس‌های درس به شکل متداول امروزی نقش موثری دارد. دانش آموزان و معلمان می‌توانند دامنه‌ی فرایند یادگیری خود را به خارج از محدوده‌های کلاس درس گسترش دهند، هر لحظه که نیازمند سؤال و برقراری ارتباط با معلم یا سایر دانش آموزان باشند، می‌توانند از امکانات شبکه‌های اجتماعی مجازی کمک بگیرند (آرامون و شاهمحمدی، ۱۳۹۳). در واقع یادگیری با استفاده از شبکه‌های اجتماعی یکی از مفاهیمی است که عقیده‌ی آموزش در هر زمان و هر مکان را به بهترین صورت به اشتراک می‌گذارد. استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند برای تغییر در فرایندهای شناختی و الگوهای یادگیری متناسب با عصر دیجیتال مفید واقع شود. استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در آموزش و یادگیری زمینه

یادگیری مشارکتی و ایجاد مشارکت فعال یادگیرندگان در امر آموزش و یادگیری را مهیا می‌کند. باید این مطلب را هم در نظر داشته باشیم که یادگیرندگان امروزی به دلیل بودن در محیطی که ابزارهای چندرسانه‌ای حرف اول را در آموزش و یادگیری می‌زند، انگیزه کمتری برای توجه به یادگیری به شیوه سنتی دارند. به همین دلیل اطلاع از مزایای شبکه‌های اجتماعی و فرصت‌هایی را که برای استفاده کنندگان آن (یادگیرنده و یاددهنده) فراهم می‌کند، لازم و ضروری می‌نماید.

شبکه‌های اجتماعی

استفاده از شبکه‌های اجتماعی به یک ابزار محبوب و تأثیرگذار در برقراری ارتباطات اجتماعی تبدیل شده است (رانسوری^۱ و راسیا^۲، ۲۰۱۴). شبکه‌های اجتماعی به دلیل تأثیرگذاری عمیق بر روابط اجتماعی، یکی از جلوه‌های نو در فناوری اطلاعات و ارتباطات است که می‌تواند در این مورد تأثیرگذار باشد. تعریفی که لغتنامه آکسفورد از شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد چنین است: وب سایت یا نرم‌افزاری که از طریق انتشار اطلاعات، دیدگاه‌ها، پیام‌ها، تصاویر و ... موجب ارتباط کاربران با یکدیگر می‌شود. همچنین لغتنامه کمبریج شبکه‌های اجتماعی را به صورت وبسایتی معرفی می‌کند که برقراری ارتباط و اشتراک گذاری اطلاعات، عکس‌ها و ... با اعضای یک گروه را برای مردم آسان می‌کند. کاووسی و کاظمی (۱۳۹۲) معتقدند شبکه‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از وبسایت‌های مبتنی بر فناوری وب هستند و با قابلیت ایجاد شبکه و ارتباطات مجازی تعاملی در فضای سایبر، به تأثیرگذاری در اجتماع می‌پردازند. یک شبکه‌ی اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و الیسون^۳، ۲۰۰۸). اصطلاح شبکه اجتماعی برای توصیف ابزار و پایگاه‌هایی است که کاربران به وسیله آنها اقدام به انتشار و به اشتراک گذاری مطالب خود می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی پایگاه‌هایی هستند که به صورت اختصاصی برای به اشتراک گذاری اطلاعات، داستان‌ها، عکس‌ها، صوت‌ها و تصاویر ویدئویی کاربران ایجاد شده‌اند (موسوی پور، ۱۳۸۹). به عبارتی دیگر شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. در واقع شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی

1- Ratneswary

2- Rasiah

3- Boyd & Ellison

طراحی شده‌اند. به طور کلی از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می‌گیرد مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق برقراری ارتباط تسهیل می‌گردد. کاربران می‌توانند پروفایل‌های دیگران را ببینند و از طریق برنامه‌های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. (پمپک^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). شبکه‌های اجتماعی مجازی با کاستن از اتلاف وقت، صرفه جویی در هزینه و ایجاد یادگیری بهتر و آسانتر به صورت مداوم امکان فراگیری مستقل از زمان و مکان را برای افراد ایجاد می‌کند. شبکه‌های اجتماعی مجازی برای ارائه محتوی از عناصر اطلاعاتی با فرمت‌های متفاوت نظیر: متن، ویدئو، صدا، انیمیشن، گرافیک و محیط‌های مجازی یا شبیه سازی شده استفاده می‌نماید و رمز موفقیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در شیوه ارائه، نوع محتویات و عرضه مناسب می‌باشد. شبکه‌های اجتماعی از درگیری و فعال بودن در یادگیری حمایت می‌کند، روش‌های جدیدی برای خلاقیت ارائه می‌کند و یادگیرندگان و معلمان را برای آزمایش‌های مختلف، بیان افکار و ایده‌های خود به روش‌های جدید تشویق می‌کند علاوه بر این استفاده از این شبکه‌ها به ایجاد تجارب یادگیری معنادار، اثربخش و لذتبخش منجر می‌شود (ردیکر، ۲۰۰۹؛ فیشر و مندل^۲، ۲۰۰۵؛ باربر و پلاغ^۳، ۲۰۰۹، گاریسون و کانوکا^۴، ۲۰۰۴؛ ریوزی^۵ و همکاران، ۲۰۰۶).

شبکه‌های اجتماعی، دارای برخی مزایا از جمله انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی، امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد، جوامع و فرهنگ‌های مختلف، شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی، امکان بیان ایده‌ها به صورت آزادانه و آشنایی با ایده‌ها، افکار و سلیقه‌های دیگران، کارکرد تبلیغی و محتوایی، ارتباط مجازی مستمر با دوستان و آشنایان، تبلیغ و توسعه ارزش‌های انسانی و اخلاقی در عرصه جهانی، یکپارچه سازی بسیاری از امکانات اینترنتی و وبی، افزایش سرعت در فرایند آموزش و ایجاد ارتباط شبانه روزی بین یادگیرنده و یاددهنده و افزایش اعتماد، صمیمیت و صداقت در فضای سایبر بوده است (خانیک و بابائی، ۱۳۹۰).

شبکه‌های اجتماعی و یادگیری مادام‌العمر

مساله یادگیری، در سراسر زندگی انسان به عنوان یک فرایند به طور پیوسته و مداوم وجود دارد. یادگیری مادام‌العمر آرزوی مداوم یادگیری و پذیرفتن مسئولیت یادگیری فردی است. در این یادگیری،

1- Pempek

2- Fischer & Mandl

3- Barbour & Plough

4- Garrison & Kanuka

5- Ruiz

فرد رویکرد زندگی، ارزش‌ها و رفتارها را از نو بازبینی می‌کند (دمیرل، ۲۰۰۹). یادگیری مادام‌العمر مترادف نوینی برای یادگیری است و دستاورد رشد تصاعدی اطلاعات است (براهمی ۲۰۰۷). توسعه دانش، مهارت‌ها، علایق و فرصت‌های یادگیری در زندگی در فرایند یادگیری مادام‌العمر توسط افراد حفظ می‌شود. یادگیری مادام‌العمر در برگزیده فرآیند یادگیری از گهواره تا گور بدون تحمیل اجبار و با میل و علاقه فردی است (الحسینی، ۱۳۸۵).

آموزش نباید به تحصیل رسمی ختم شود بلکه یادگیرندگان باید به آموزش در سرتاسر زندگی خود دسترسی داشته باشند که وجود شبکه‌های اجتماعی سودمند می‌تواند این فرصت را در اختیار افراد قرار دهد. با توجه به ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی یعنی کاربردی بودن و متناسب بودن با نیازهای زندگی افراد، دوره زمانی کوتاه مدت و سیال، گستردگی نوع آموزش‌ها، پوشش طیف گسترده‌ای از مخاطبان، قابلیت تطابق با نیاز بازار کار و ویژگی‌هایی از این دست، این نوع شبکه‌ها می‌توانند بسترهای مناسبی را در راستای تحقق آموزش مادام‌العمر برای همه اقشار جامعه در تمامی سطوح و گروه‌های سنی فراهم کنند (پرنده، ۱۳۹۲).

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند از یادگیری مادام‌العمر به وسیله ایجاد محیط‌های یادگیری در دسترس، انعطاف پذیر و پویا حمایت کنند که مکمل آموزش‌های اولیه است. علاوه بر این نقش معلم در نظام‌های یادگیری پررنگ‌تر از نقش سنتی او در کلاس درس است و حیظه نفوذ وی نه فقط به مدرسه بلکه به تمام شرایط و اوقات یادگیری تسری می‌یابد. انتقال آموزش و یادگیری توسط شبکه‌های اجتماعی یادگیری باید به صورت فرآیندی باشد که اجبار را به انتخاب و اختیار و رنج یادگیری در نظام رسمی آموزش را به لذت از یادگیری و منوط بودن آموزش به معلم و مدرسه را به خود مدیریتی و خود گستری تبدیل کند. این مسئله یادگیرندگان را قادر می‌کند که افق دید خود را وسیعتر کرده و فراتر از دیوارهای زمانی و مکانی با یکدیگر مشارکت داشته باشند (وانگ و چيو، ۲۰۱۱) و بدین وسیله حتی پس از پایان دوره رسمی تحصیل، از این امکان استفاده کرده و به یادگیرنده مادام‌العمر تبدیل شوند.

آموزش در شبکه‌های اجتماعی

واضح است در دوره‌ای که آموزش و پرورش نوین از امکانات و منابع زیادی برای آسان ساختن یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون درسی و تحصیلی کمک می‌گیرد،

نمی‌توان از به کارگیری شبکه‌های اجتماعی در امر آموزش و پرورش به عنوان یکی از ابزارهای مهم و اثربخش در تسریع و تسهیل یادگیری چشم پوشی کرد. خصوصاً اگر علاقه نوجوانان و جوانان را به استفاده از این شبکه‌ها مدنظر قرار دهیم، این اهمیت صدچندان خواهد شد. توجه به شبکه‌های اجتماعی در زمینه‌های آموزشی با قوت گرفتن بحث پیرامون فرآیند یادگیری متمرکز بر روابط اجتماعی و فناوری افزایش یافت (گرینهو^۱ و روبلیا^۲؛ سلوین^۳، ۲۰۰۹).

شبکه‌های اجتماعی در کنار جنبه سرگرمی، برای دسترسی و انتشار اطلاعات مربوط به یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند (تنتا^۴، ۲۰۰۹) و استفاده از آن‌ها در جهت تحقق اهداف آموزشی به طور مفصل مطالعه شده است (ایشیک^۵، ۲۰۱۳). شبکه‌های اجتماعی نه تنها محیط کار و زندگی شخصی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند بلکه مهمتر از آن، چشم اندازی نو از آموزش و پرورش ترسیم می‌کنند (پونودورای^۶، ۲۰۱۴). در زمینه آموزشی جنبه‌های مثبت شبکه‌های اجتماعی و استفاده از آنها در حال آشکار شدن هستند کارکرد این شبکه‌ها تنها به اطلاع رسانی محدود نمی‌شود و می‌توان آموزش مبتنی بر شبکه را در این سایتها طرح ریزی کرد. دانش آموزان از هم اکنون از شبکه‌های اجتماعی به عنوان کمک به تحصیلات خود در کارهای انفرادی و گروهی استفاده می‌کنند. شیوه‌ی برقراری ارتباط شاگرد و استاد و روش‌های تدریس در سطوح مختلف تحصیلی متحول شده است، بعضی از مدارس از این سایتها در فعالیت‌های کلاسی استفاده می‌کنند و معلمان با ایجاد گروههای کلاسی در این سایتها دانش آموزان را تشویق می‌کنند تا اطلاعات خود را درباره موضوعات درسی با دیگر همکلاسان به اشتراک بگذارند. دانش آموزان انتظار دارند دامنه‌ی فرآیند یادگیری خود را در هر لحظه که نیازمند سؤال و برقراری رابطه با استاد باشند، به خارج از محدوده‌های کلاس گسترش دهند. پست الکترونیکی، اتاق‌های گفت و گو و نشست‌های اینترنتی باعث شده است ارتباط معلمان با دانش آموزان و مطالب درسی خود بیشتر شود (نگهبان، ۱۳۹۱)، معلمان نیز به دانش آموزان این فرصت را می‌دهند که در محیطی خارج از مدرسه به تعامل با یکدیگر بپردازند. این سایتها به دانش آموزان این امکان را می‌دهند که اوقات فراغت خود را با آموزش رسمی پیوند بزنند، البته در محیطی که برایشان جذابیت زیادی دارد (زارعی زوارکی، ۱۳۹۲). استفاده از شبکه‌های اجتماعی در آموزش و یادگیری این امکان را برای

-
- 1- Greenhow
 - 2- Robelia
 - 3- Selwyn
 - 4- Tonta
 - 5- Isik
 - 6- Ponnudurai

معلمان و یادگیرندگان فراهم می‌آورد که در هر زمان و مکان مطالب خود را دریافت یا ارسال کنند؛ به عبارت دیگر در این روش دسترسی در هر زمان و هر مکان به شبکه امکان پذیر و مهیاست (ردیگر، ۲۰۰۹).

شبکه‌های اجتماعی مجازی معلمان را قادر می‌کند تا روش‌های مختلف تدریس را با توجه به علایق دانش آموزان عملی کند، دانش و مهارت خود را از طریق انجام دادن فعالیت‌های آموزنده مؤثر ارتقا دهد (هیو، ۲۰۱۱). ارزیابی‌های تشخیصی را در فرایند یادگیری یکپارچه کند و به همان صورت فعالیت‌های هدایت‌گری را تنظیم کند. از سویی دیگر این شبکه‌ها امکانات زیادی را برای یادگیرندگان فراهم می‌آورد و باعث می‌شود یادگیرندگان خود مسیر یادگیریشان را بسازند، با اساتید بیرون از کلاس درس ارتباط برقرار کنند (سلوین^۱، ۲۰۰۹) و استفاده از مجموعه‌ای از ابزارها و منابع اطلاعات را مدیریت کنند (هیو، ۲۰۱۱) و ارتباط مثبتی را با سایر یادگیرندگان به ویژه افراد همسان از نظر سن و علایق ایجاد کرده، نقشهای مختلف در شبکه را برعهده بگیرند و بدین وسیله موجب انگیزندگی و درگیر شدن یادگیرندگان شود (کابیلان^۲، ۲۰۱۰).

استفاده از شبکه‌های اجتماعی در آموزش و یادگیری امکان دریافت اطلاعات جدید و مورد نیاز بدون محدودیت را فراهم می‌آورد. تسو^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی که در زمینه محیط‌های یادگیری انجام دادند، دریافتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، یادگیرندگان و معلمان را قادر می‌سازد به محتوای یادگیری مورد نیاز خود دسترسی پیدا کرده و آن را گسترش و نشر دهند. از زمان ظهور شبکه‌های اجتماعی تاکنون مطالعات فراوانی درباره استفاده از شبکه‌های اجتماعی در امر تدریس و یادگیری به انجام رسیده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

پژوهش تونکی^۴ و همکاران (۲۰۱۰) که بر تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر آموزش مؤثر و جو حاکم بر کلاس اشاره دارد، نام برد. همچنین می‌توان به نتایج پژوهش پیریاسیلپا^۵ (۲۰۱۰) اشاره کرد که در مطالعاتش، نقش شبکه‌های اجتماعی در بهبود تجربیات یادگیری دانش آموزان را مورد تأکید قرار داد. میسان^۶ (۲۰۰۶) به نقش شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک فرصت آموزشی با پتانسیل بالا در افزایش

-
- 1- Selwyn
 - 2- Kabilan
 - 3- Tsia
 - 4- Tuncay
 - 5- Piriyaasilpa
 - 6- Mason

قدرت تفکر دانش‌آموزان اشاره نموده است. همچنین ونتورا^۱ و کوئرو^۲ (۲۰۱۳) در مطالعاتشان به این نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی موجب بهبود مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌های موردنیاز دانش‌آموزان می‌شوند. این ارتقای سطح مهارت‌ها منجر به افزایش یادگیری دانش‌آموزان می‌گردد. پژوهش‌های یانگ^۳ (۲۰۱۱)، باران^۴ (۲۰۱۰) و بسیاری از محققان دیگر نشان داده که دانش‌آموزان به این سبک از یادگیری الکترونیکی علاقه نشان می‌دهند و بهبود رابطه اجتماعی معلم دانش‌آموز، انگیزه آنها برای افزایش می‌دهد. شبکه‌های اجتماعی این فرصت را به یادگیرندگان می‌دهند تا اطلاعات را سازماندهی کنند، ایده‌هایشان را به اشتراک بگذارند، نظرات و بازخوردها را دریافت نمایند و مهمتر اینکه، از دیگران بیاموزند (وانگ^۵ و وو^۶ (۲۰۰۸) به علاوه، این شبکه‌ها، امکان ارتباط میان معلم و دانش‌آموز را در هر زمان و مکان فراهم می‌آورند (تادئو^۷ و جووانا^۸ (۲۰۱۴) به عقیده یوئی و همکاران، فراگیران می‌توانند با تشکیل جامعه بر خط و به وسیله شبکه‌های اجتماعی به اهداف آموزشی دست یابند.

خانی و منفرد (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در یادگیری زبان در ایران انجام داده‌اند که نتایج تحقیق آنها نشان داده که دانش‌آموزان کاربران فعالی در شبکه‌های اجتماعی هستند و اعتقاد دارند که شبکه‌های اجتماعی محیط‌های مناسبی برای یادگیری و تمرین انگلیسی هستند. ولتسیانوس و ناوارته^۹ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به موضوع شبکه‌های اجتماعی به عنوان محیط‌های رسمی یادگیری: تجربیات و فعالیت‌های یادگیرنده پرداختند. آنها بر این اعتقاد هستند که از وقتی که پتانسیل سایت‌های شبکه‌های اجتماعی برای کمک کردن به کوشش آموزشی توسط محققان و پزشکان عیناً برجسته شده است، مدارک تجربی بر استفاده از آن سایت‌هایی که برای یادگیری رسمی هستند اندک است. نتایج نشان داده‌اند که یادگیرندگان در مدیریت حجم وسیعی از اطلاعات قابل دسترس برای آنها و طراحی استراتژی‌ها و راه‌حلها برای مدیریت زمان و همکاری‌شان نیاز به حمایت دارند.

-
- 1- Ventura
 - 2- Quero
 - 3- Young
 - 4- Baran
 - 5- Wang
 - 6- Woo
 - 7- Tadeu
 - 8- Joana
 - 9- Veletsianos and Navarrete

به طور خلاصه، بازنگری پیشینه نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی علاوه بر آنکه مورد اقبال و علاقه دانش‌آموزان هستند، امکانات فراوانی برای انتقال اطلاعات و گرفتن بازخورد در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار می‌دهند و مرزهای کلاس را در بعد زمان و مکان از میان برمی‌دارند، تفکر انتقادی گروهی، یادگیری پروژه محور تیمی و حل مسأله گروهی را تقویت می‌کنند و قدرت آنها تنها به دلیل تولید و به اشتراک گذاشتن دانش بین اعضای آن نیست، بلکه امکان بازتاب دادن و تولید دانش جدید را نیز فراهم می‌آورد. در این شبکه‌ها ایده‌ها تولید می‌شوند، به چالش کشیده می‌شوند، تغییر می‌کنند، نقد و ارزیابی می‌شوند (چراغ ملایی و همکاران، ۱۳۹۲). لذا از آنجاکه در دهه حاضر شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای نوین آموزشی وارد حوزه آموزش شده‌اند و فرآیند تدریس یادگیری را تحت الشعاع قرار داده‌اند، مقوله‌ای درخور توجه و تحقیق هستند

راهکارهای اجرایی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در آموزش و یادگیری

استفاده از روش‌های قدیمی با ابزارهای نوین نه تنها اثر بخش نیست، بلکه ممکن است فرصت‌های موجود را از بین برده و تنها چالش‌ها و معایب را برجای گذارد. با توجه به اینکه بسیاری از معلمان در برابر ایجاد تغییر در روش تدریس خود و فراگیری فنون جدید مقاومت می‌کنند بنابراین باید به منظور استفاده از شبکه‌های اجتماعی در آموزش و یادگیری، معلمان را برای پذیرش تغییر در روش تدریس خود و استفاده از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، مطالعه روش‌های نوین و طراحی آموزشی متناسب با این ابزارها آماده کرد.

فراهم آوردن زیرساخت‌های فناوری در مدارس نیز در استفاده از شبکه‌های اجتماعی اثرگذار خواهد بود، لذا باید امکانات و تسهیلات مناسب را جهت استفاده از شبکه فراهم کرد و زیرساخت به گونه‌ای طراحی شود که امکان تغییر، اضافه کردن و اصلاح و هرگونه شخصی سازی یادگیری در آن وجود داشته باشد، به گونه‌ای که آن را به ابزار قدرتمندی به منظور متناسب ساختن محتوای یادگیری برای یادگیرنده به طور مجزا تبدیل کند (تو^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

برای آنکه دانش‌آموزان و معلمان بتوانند به صورت کامل و صحیح از امکانات شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده کنند، لازم است که کلاس‌های آموزشی برگزار شود. آشنایی یادگیرندگان با این ابزارها بسیار متفاوت است و همین امر ممکن است برخی از یادگیرندگان را با مشکلاتی در زمینه یادگیری مواجه کند لذا برای شناخت و استفاده‌ی بهتر یادگیرندگان از شبکه‌های اجتماعی مجازی، برگزاری

کارگاه‌های آموزشی، نصب پوستر، کلاس‌های توجیهی در رابطه با چگونگی تعامل یادگیرندگان با یکدیگر و یادگیرندگان با معلم در هر زمان و هر مکان، شیوه پیوستن به این شبکه‌ها و شرکت در فعالیت‌های گروهی، به اشتراک گذاری نتایج پژوهشها، ایده‌هایشان، گزارش کارآموزی و پروژه‌های دروس عملی برای دیگران اجتناب ناپذیر است.

در خصوص وظیفه معلم در این کلاس‌ها باید گفت که چون برگزاری کلاس از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی به صورت برخط است لذا معلم بایستی تمام مواد آموزشی را از قبل آماده کرده باشد و همچنین می‌تواند بعضی از مواد آموزشی مانند نمونه سؤالات و تصاویر را در وبلاگ یا سایت خود بارگذاری کند و یا با دیگر دانش آموزان به اشتراک بگذارد و در حین کلاس دانش آموزان از آنها استفاده کنند. علاوه بر این معلمان باید به تفاوت‌های یادگیرندگان در زمینه استعداد، مهارت‌های عملی، علاقه و... نیز توجه نمایند و در صفحه‌ی شخصی هر یادگیرنده روند پیشروی او و همچنین نقاط قوت و ضعف وی را مشخص کند.

برای استفاده از حداکثر امکانات این شبکه‌ها مانند چت تصویری یا همان ویدئو کنفرانس نیاز به اینترنت با سرعت بالا است؛ بنابراین به منظور بهره مندی از مزایای استفاده از شبکه‌های اجتماعی در خانه یا مدرسه، باید امکان دسترسی برابر به این ابزار و فراگیری مهارت‌های لازم برای استفاده از منابع تضمین شود و دسترسی همگان به اینترنت پرسرعت و ارزان میسر شود.

همچنین طراحی شبکه‌ای داخلی که با اهداف کشور ایران، فرهنگ بومی، زبان و محتوای موردنظر همخوانی داشته و مبتنی بر ارزشهای اخلاقی موجود باشد ضروری می‌نماید.

بحث و نتیجه گیری

از آنجایی که آموزش یک فرآیند اجتماعی و فرهنگی است (ایشیک، ۲۰۱۳) استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات در سالهای اخیر با استقبال چشمگیری مواجه شده است (بون^۱ و سینکلر^۲، ۲۰۰۹). استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تغییر فرایندهای شناختی و الگوهای یادگیری متناسب با عصر دیجیتال مناسب است. از ویژگی‌های اصلی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در آموزش و یادگیری، پررنگ بودن یادگیری مشارکتی و تعاملی، ارتباط فردی و تعامل کلاسی است و به راحتی امکان مباحثه با تمام همکلاسی‌ها، امکان درک و پذیرش نظر

1- Boon

2- Sinclair

سایرین و شکل گیری دانش بر اساس توافقات اجتماعی را فراهم می‌کند. همچنین نسل فعلی یادگیرندگان (اعم از دانش آموزان و دانشجویان) بیش تر مستعد استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای در آموزش و یادگیری هستند و بیش تر با شبکه‌های اجتماعی مجازی درگیر هستند و انگیزه کمتری برای توجه به یادگیری با شیوه سنتی دارند.

با توجه به اینکه در شبکه‌های اجتماعی امکان یادگیری و آموزش مستقل از زمان و مکان وجود دارد لذا اینگونه آموزش می‌تواند در موقعیتهایی که امکان حضور معلم و فراگیر در یک کلاس درس وجود ندارد، بسیار پرکاربرد باشد و در حالت کلی می‌توان گامی در جهت تحقق عدالت آموزشی برداشت. یکی از مزایای استفاده از این نوع دسترسی الکترونیکی، برخط بودن آن است. آن هم به این دلیل که فراگیر یا معلم در صورت نیاز می‌تواند از طریق اینترنت فایل‌ها را با بقیه به اشتراک بگذارد، فراگیر از طریق اینترنت و برخط پاسخ سؤال را به معلم بفرستد و امکان دسترسی معلم یا دانش آموز به سایتهای مرجع در طول کلاس درس وجود دارد که اینها نکات کاربردی مهمی به حساب می‌آیند. نکته حائز اهمیت دیگر در این زمینه این است که جذابیت یادگیری در شبکه‌های اجتماعی مجازی یکی از عوامل اصلی افزایش بازده یادگیری است. مطالعات فراوانی پیرامون، استفاده از شبکه‌های اجتماعی در امر تدریس و یادگیری به انجام رسیده‌اند دامنه این مطالعات تا جایی گسترده شده است که مازمن^۱ و اسلوئل^۲ (۲۰۱۰) با ارائه مدلی ساختاری نشان دادند چگونه می‌توان از یک شبکه اجتماعی برای اهداف آموزشی استفاده کرد. البته باید توجه داشت که افراط در استفاده از این پدیده ممکن است خود منجر به تأثیرات منفی آموزشی و کاهش بهره‌وری آموزشی شود. در واقع، فناوری ابزاری برای آموزش است و نه هدف آن؛ بنابراین، با توجه به تأثیرات فراوان کاربرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در آموزش می‌بایست به طور علمی و با برنامه ریزی دقیق و مبتنی بر طرح درس به سمت استفاده گسترده از این فناوری در امر آموزش حرکت کرد و شرایط لازم را با توجه به یافته‌های علمی قابل استناد، فرهنگ سازی در بین معلمان و خانواده‌ها، فراهم آوردن زیرساخت‌های موردنیاز و آموزش معلمان برای استفاده مطلوب و مناسب از شبکه‌های آموزشی در هر درس به فراخور نیاز آن فراهم آورد.

1- Mazman

2- Usluel

منابع

- ۱- آرامون، زهرا؛ شاهمحمدی، نیره (۱۳۹۳). شبکه اجتماعی آموزشی ادمادو، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۳۰ ام. شماره ۴.
- ۲- الحسینی، سید حسین (۱۳۸۵). راه‌های کیفیت بخشی به آموزش از راه دور در آموزش و پرورش ایران، مجموعه مقالات آموزش از راه دور، (۳۶-۳۱) تهران: موسسه آموزش از راه دور.
- ۳- پرند (۱۳۹۲). آموزش مهارت سهم مهمی در آموزش مادام العمر دارد. خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۴- خانی، رضا؛ منفرد، مریم (۱۳۹۱). استفاده از شبکه‌های اجتماعی در یادگیری زبان در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵- چراغ ملایی؛ لیلا، کدیور؛ پروین، صرامی؛ غلامرضا (۱۳۹۲). استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در آموزش فرصتها و چالش‌ها، مجله اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء، دوره ۱۰/ شماره ۳.
- ۶- خانیکی، هادی. بابائی، محمود. (۱۳۹۰). فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی (مفهوم‌ها و کارکردها). فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، دوره اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۷۱.
- ۷- زارعی زوارکی، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۲). مبانی نظری و علمی کاربرد اینترنت در فرآیند تدریس و یادگیری. تهران: آوای نور.
- ۸- کاووسی، اسماعیل و کاظمی، حسنا (۱۳۹۲). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر تحکیم سرمایه اجتماعی. روابط عمومی، ۲۲-۳۳.
- ۹- موسوی پور، محمدصادق (۱۳۸۹). آشنایی با اصطلاحات رایج در شبکه‌های اجتماعی. ره آوردنور، ۲۸-۳۱.
- ۱۰- نگهبان، محمد باقر (۱۳۹۱). وب ۲ و کتابخانه ۲. شیراز: همارا
- 11- Baran, B. (2010). Facebook as a formal instructional environment. *British Journal of Education*, 146-149.
- 12- Barbour, M. & C. Plough. (2009). Social networking in cyberschooling: Helping to make online learning less isolating. *TechTrends* 53, no. 4: 56_60.

- 13- Boyd, Danah M. Ellison, Nicole B. (2008). *Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship*. *Journal of Computer-Mediated Communication* 13 (2008) 210–230.
- 14- Brahmi FA. Medical students' perceptions of life long learning at Indiana university school of medicine [dissertation]. India: University of India; 2007
- 15- Demirel M. Lifelong learning and schools in the twenty-first century. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 2009;1(1): 1709-16.
- 16- Fischer, F. & Mandl, H. (2005). Knowledge convergence in computersupported collaborative learning: the role of external representation tools. *Journal of the Learning Sciences*, 14(3), 405–441.
- 17- Garrison, D.R. & Kanuka, H. (2004). Blended learning: uncovering its transformative potential in higher education. *The Internet and Higher Education*, 7 (2), 95–105.
- 18- Greenhow, C. & Robrlia, B. (2009). Informal learning and identity formation in online social networks. *Learning, Media and Technology*, 119-140.
- 19- Isik, F. (2013). of the use of social network in education between north and south cyprus. *Social and Behavioral Sciences*, 210-219.
- 20- Kabilan MK. (2010). Malaysian Education Index (MEI): An online indexing and repository system; *International Journal of Education and Development using Information and Communication Technology (IJEDICT)*, 2010, Vol. 6, Issue 2, pp.
- 21- Mason, R. (2006). Learning technologies for adult continuing education. *Studies in Continuing Education*, 121-133.
- 22- Pempek.T.A, Yermolayeva.Y.A & Calvert.S.L; (2009). *College students' social networking experiences on Facebook; Journal of Applied Developmental Psychology* 30; 227–238.
- 23- PiriyaSilpa, Y. (2010). See you in facebook: the effects of incorporating online social networking in the language classroom. *eJournal of Digital Enterprise*.
- 24- Ponnudurai, P. (2014). Facebook: A shift from social to academia. *Social and Behavioral Sciences*, 122-129.
- 25- Ratneswary, R. & Rasiah, V. (2014). Transformative higher education teaching and learning: using social media in a team-based learning environment. *soc.Behav*, 369-378.
- 26- Redecker.C, AlaMutka.K. Punie.Y; (2009). *Learning 2.0 – the use of social computing to enhance lifelong learning; European*

Commission, Joint Research Centre, Institute for Prospective Technological Studies (IPTS), Seville, Spain.

- 27- Ruiz, J.G. Mintzer, M.J. & Leipzig, R.M. (2006). The impact of e-learning in medical education. *Academic Medicine*, 81 (3), 207–212.
- 28- Selwyn, N. (2009). Faceworking: exploring students' education related use of Facebook. *Learning, Media and Technology*, 157-174.
- 29- Sheng, Z. Z. Jue, and T. Weiwei. 2008. Extending TAM for Online Learning Systems: An Intrinsic Motivation Perspective. *Tsinghua Science And Technology* 13(3): 312-317.
- 30- Tonta, Y. (2009). Digital natives, social networks and the future of libraries. *Turk Kutuphaneciligi*, 742-768.
- 31- Tsai.C.V, Shen P.D & Tsai.M.C. (2011). Developing an appropriate design of blended learning with web-enabled self-regulated learning to enhance students' learning and thoughts regarding online learning, *Behaviour & Information Technology*, 30:2, 261-271.
- 32- Tuncay, N. Keser, H. & Uzunboylu, H. (2010). If knowledge is power why keep it secret. *Social and Behavioral Sciences*, 5650-5658.
- 33- Ventura, R. & Quero, J. (2013). Using Facebook in University Teaching: A Practical Case-Study", *Social and Behavioral Sciences*, 1032-1038.
- 34- Wang.H,C & Chiu.Y.F; (2011); Assessing e-learning 2.0 system success; *Computers & Education*.57 (2011) 1790– 1800.
- 35- Young, K. (2011). ties, social networks and the facebook experience. *International Journal of Emerging Technologies and Society*, 20-34.

